

مطالعه تطبیقی فرم سرپوش شاهانه در دوره های صفویه و قاجار^۱

علیرضا شیخی^۲

عاطفه سادات میرصانع^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

چکیده

همواره، تاج در ایران، مظهر قدرت و شکوه سلطنت بوده که هنرمندان در ساخت آن، سعی فراوان مبذول داشته‌اند. هدف مطالعه حاضر، شناخت فرمی تاج و کلاه پادشاهان صفوی و قاجار است. بنابراین، تحقیق در پی این است که: فرم و تزیینات تاج و کلاه پادشاهان صفوی و قاجار با توجه به منابع و اسناد به‌جای مانده چیست؟ رویکرد تحقیق، کیفی بوده و روش توصیفی، تاریخی و تطبیقی است. در این سیر تاریخی، شکل و فرم تاج و کلاه شاهان با مطالعه منابع مکتوب، نقاشی دیواری، سکه و آینه‌کاری بناها، مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند: تاج در دوره صفوی و قاجار، اگرچه متمایل به حفظ فرم باستانی است، اما از ویژگی زمانه خود، متاثر است. تاج باستانی کنگره‌دار، عمامه‌پیچ با علمک و پَر در دوره صفوی بارز بوده و در عصر قاجار، تاج‌های کنگره‌دار، تخم‌مرغی، مخروطی و استوانه‌ای قابل مشاهده است. از اواسط قاجار به بعد، نقش بته‌جقه مرصع و سپس، نقش پَر روی تاج و کلاه، پررنگ‌تر می‌شود و تزیینات آن، کم‌تر و کم‌تر می‌گردد. در این راستا، نوع تعاملات و ارتباطات با غرب و سفرهای فرنگ شاهان قاجار، موثر بوده که در اواخر قاجار، منحصر به کلاهی پَردار می‌گردد.

واژه‌گان کلیدی: صفویه، قاجار، تاج و کلاه، فرم

مقدمه

تاج در طول تاریخ، جزو برجسته‌ترین نمادهای عظمت و قدرت پادشاهان بوده است که اسنادی معتبر از حقایق تاریخی هر دوره یا پادشاه می‌باشد. در طراحی تاج و نمود عظمت و زیبایی در آن، هنرمندان کوشش فراوان داشته‌اند که البته، سفارش مخصوص دربار در این حوزه، بوده است. ذکر آن ضروری است که ارتباطات با جامعه غرب از اواخر دوره صفوی، به‌نوعی ذوق و سلیقه دربار را تنوع بخشیده است. هدف مقاله، بررسی فرم تاج شاهان دوره صفوی و قاجار است. پرسش پژوهش پیرامون این مساله است که فرم و تزئینات تاج‌ها در دوره‌های مذکور، چه روندی را طی کرده است؟ تاج پادشاهان در اسناد بسیاری توصیف شده، که مقاله به بررسی این موضوع در دیوارنگاره، نگارگری و سکه‌های صفوی و قاجار پرداخته است. به‌نظر می‌رسد، مطالعه سیر تحول تاج در تاریخ هنر ایران و بررسی فرم آن، به‌عنوان نمادی از فر کیانی از ضروریات بوده و گامی خواهد بود در جهت شناسایی حوزه‌ای از صنایع ظریفه ایران و آغازی بر مطالعه جوانب دیگر این عنصر درباری.

پیشینه تحقیق

ایرانیان، علاقه وافری به جواهرات و جواهرسازی داشتند؛ منابع مکتوب تاریخی و آثار به‌جای‌مانده در دوره‌های مختلف، نمود این علاقه و توجه را نشان می‌دهد. شاردن (۱۳۳۶)، در جلد دهم «سفرنامه» خود، حکاک و نصب جواهرات ایرانیان را خوب می‌داند. در اسناد به‌جای‌مانده از دوره صفویه، اطلاعات متنوعی می‌توان به‌دست آورد. راجر سیوری (۱۳۷۲)، در کتاب «ایران در عصر صفوی»، به هنر عصر صفویه پرداخته است؛ جان روبرتو اسکارچیا (۱۳۷۶)، در کتاب «تاریخ هنر ایران (هنر صفویه، زند، قاجار)» به شهرت صفویان در کارهای ظریف فلزکاری در طلا و نقره اشاره دارد. بدری حکیمیان (۱۳۶۸)، در پایان‌نامه کارشناسی «بررسی فرم و طرح جامه‌های دوره صفویه از طریق مکاتب نقاشی مینیاتور (تبریز، اصفهان)» به بررسی فرم و طرح جامه‌های دوره صفویه، از طریق مکاتب نقاشی مینیاتور تبریز و اصفهان، اهتمام داشته است. مریم مونس سرخه (۱۳۹۶)، در مقاله «لباس و هویت: ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی» به هویت فرهنگی در لباس ایرانی و رعایت اندیشه پوشانندگی نوع سرپوش‌ها اشاره کرده است. یحیی ذکاء (۱۳۴۶)، در مقاله «تاج‌ها و تخت‌های سلطنتی ایران»، به مطالعه کلی تاج‌ها و سربرهای سلطنتی در دوران تاریخی

ایران پرداخته است. از سیاحان، می‌توان به تارونیه (۱۳۳۶) اشاره کرد که درباره زرگرهای بازار تبریز می‌نویسد: آن‌ها به غیر از انگشتری‌های بدترکیب نقره، چیز دیگری نمی‌توانستند بسازند (تارونیه، ۱۳۳۶: ۹۷). کمپفر، شاه عباس دوم صفوی را دل‌بسته کالاهای اروپایی ذکر می‌کند و دلیل آن را ورود تعداد زیادی از هنروران فرانسوی و هلندی به ایران می‌داند. وی عده‌ای زرگر و متخصص ذوب فرانسوی را به ایران دعوت کرده بود که در زرگرخانه، زیر نظر ناظر به زرگری بپردازند (کمپفر، ۱۳۶۲: ۱۵۱)؛ که نشان از رونق صنعت جواهرسازی و بازار جواهرات در دوره شاه عباس ثانی دارد (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۳: ۲۲۷ و ۳۶۸). میل شاه عباس به جواهرات، به‌حدی بود که خود طرحی برای تهیه جقه دستار کشیده و دستور ساخت آن را داده بود (تارونیه، ۱۳۳۶: ۴۷۳). ورود صنعتگران اروپایی به ایران باعث شد، تا ایرانیان با دستاوردهای ایشان در این زمینه و هم‌چنین، سبک‌های تازه هنر زرگری و جواهرسازی آشنا شوند و با بهره‌گیری از تجربیات گذشته و آمیختن ذوق و سلیقه ایرانی با سبک‌های جدید اروپایی، به ایجاد آثار بدیع و تازه بپردازند. در ایران دوره صفوی، تراش جواهرات نیز صورت می‌گرفت. البته، تراش جواهرات در ایران، به پای تراش جواهرات در غرب نمی‌رسید (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۷: ۱۷۷). لازم به ذکر است، جدا از تکیه به این موضوع، در کتاب خاطرات ناصرالدین شاه، اقلام نفیسی که مربوط به تاج‌ها است، به‌صورت مکتوب، ذکر شده است. آنچه شایسته اشاره هست این‌که، تاکنون نوشتاری به روند فرم تاج‌ها، تغییر و تاثیرپذیری آن‌ها در طول زمان در این دو دوره، نپرداخته است.

روش تحقیق

رویکرد تحقیق کیفی بوده و روش تحقیق توصیفی، تاریخی و تطبیقی است. بدین منظور، نگارنده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد تصویری به‌جای‌مانده بهره برده، تا بتواند تاج شاهان صفوی و قاجار را مطالعه کند و به‌لحاظ فرمی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و در نهایت، به وجوه افتراق و اشتراک آنان دست یابد.

تاج

صورت باستانی آن تاگ. گمان می‌شود صورت‌های مختلف همین کلمه در زبان‌های دیگر نیز آمده است (صادق، ۱۳۴۶: ۷). معنی تاج در برخی از فرهنگ‌های فارسی و عربی چنین ذکر شده است: «تاج: افسر» (مقدمه الادب، زمخشری، صراح، کنز اللغات، منتخب اللغات، کشف اللغات، موبد الفضلا)؛ «اکلیل پادشاهان است و آن چیزی است که پادشاهان

به جای دستار بر سر می‌گذارند» (پادشاه، ۱۳۳۵: ۳۶۱). خیرالمدفقین می‌گوید: تاج آن است که به طور کلاه بر سر می‌نهند و مکمل به جواهر می‌باشد و افسر، آنچه مانند سپهر بر سرگردانند و آن را چتر خوانند؛ مجدالدین علی قوسی گوید که تاج در این ایام، کسوتی معروف را گویند که ۱۲ ترک دارد و اکثر از سقرلاط قرمزی سازنده و در اصل، به فرموده شاه اسمعیل صفوی اختراع شد. لشکر او را به سبب پوشیدن تاج قرمزی، قزلباش گفتند و این لقب در ایران بر لشکریان ماند و از عدد ترک‌ها، عدد ائمه اثنا عشر (ع) مقصود و مطلوب است. اکلیل و پارچه، مزین به جواهر که سلاطین، بر پیشانی کلاه طوری نصب کنند که حصه‌ای از آن از کلاه بلندتر باشد و نام دیگر آن، جیغه است. مانند افسر به معنی سرور و مهم‌تر نیز از راه مجاز به کار رفته است (کیا، ۱۳۴۶: ۸). در واقع، تاج کلاه نمادینی است که توسط پادشاهان و ملکه‌ها به سر گذاشته می‌شود؛ تا نشانه‌ای از قدرت و رسمیت آنان باشد. تاج‌ها، معمولاً، به جواهرات مزین می‌شوند.

فلزکاری و جواهر سازی دوره صفوی

سلسه صفوی^۱ (۹۰۸.ه.ق. ۱۵۰۲.م. - ۱۱۴۹.ه.ق. ۱۷۶۳.م.) دارای منشا ترکی بود و سلسله ملی ایران در روزگار جدید است. مذهب تشیع در سلطنت شاه اسمعیل مذهب رسمی دولت صفوی اعلام شد. تداوم و عمر طولانی این سلسله و استحکام جنبه‌های مذهبی و فرهنگی آن موجب تقویت و تحکیم سنت هنری آن گردید (اسکارچیا، ۱۳۷۶: ۳).

با ظهور سلسله قدرتمند صفوی و رونق اقتصادی، خزاین مملکت غنی‌تر گردید؛ لذا، مجموعه‌ای از گران‌بهارترین گوهرها و زیورآلات جمع‌آوری شد. ایران صفوی در زمینه طلاکاری و نقره‌کاری، مخصوصاً، تولید شمشیر، خنجر و ظروف زرینی چون تنگ‌ها - که اغلب حاوی احجار کریمه بود - شهرت داشت (اسکارچیا، ۱۳۷۶: ۲۹). سیاحانی مانند کمپفر، ژان باتیست تاورنیه، شوالیه شارون (۱۶۷۳ - ۱۶۷۷)، برادران شرلی و سانسون، برادران باقراف در سفرنامه‌های خود، مطالب سودمندی در این موارد نوشته‌اند و با توصیفی از گنجینه‌های شاهان صفوی، ویژگی بعضی از سنگ‌های قدیمی و چگونگی ساخت و پرداخت آن‌ها را شرح داده‌اند. شاردن، در مورد معادن غنی ایران می‌گوید: «اگر آن‌ها نیز به مانند ما فعال و نگران و ناگزیر بودند، محال بود که تپه و گوشه‌ای از این کوه‌ها بارها شکافته نشود» (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴: ۹۱). وی همچنین، در سفرنامه خود به بیان انواع و اقسام احجار ثمینه (جواهرات قیمتی) موجود در ایران می‌پردازد. وی کننده‌کاری ایرانیان را در حد متوسط و حکاکی و نصب جواهرات را خوب می‌داند. در تایید آن، می‌توان به

قطعه ارزشمند کشف‌شده از قلعه طبرک اصفهان - خزانه جواهرات سلطنتی - اشاره کرد، که کلاه یا تاج صفوی است. این کلاه - که جنس آن از پارچه‌های بسیار لطیف و قیمتی ایرانی بوده - با جواهرات بسیار قیمتی نظیر زمرد، الماس، مروارید و یاقوت ترصیع شده بود و بر روی آن پره‌های گران‌بها و جقه‌های نفیس نصب گردیده بود (میرجعفری، ۱۳۸۷: ۵).

فلزکاری عصر صفویه بر پایه سنت‌های قدیم و مهارت فلزکاران استقرار یافت. چیره‌دستی و نبوغ طراحان و نقاشان این زمان با ابداع شیوه‌های جدید، موازین تازه‌ای آفرید (حیدرآبادیان و عباسی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۱۷). در روند فلزکاری صفویه، سه مورد را می‌توان بیان داشت: نخست آن‌که، فلزکاری صفویه دنباله میراث عصر تیموری و به‌ویژه، خراسان است؛ دوم، در زمان شاه عباس اول، دو مکتب مشخص فلزکاری در ایران وجود داشت؛ یکی، در خراسان و دیگری، در آذربایجان؛ سوم، می‌توان همه تمایلات صوفیان، به‌ویژه شیعی را در کارهای این عصر یافت (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۴۶). طرح‌های درهم اسلیمی و گل‌دار بیش‌تر مورد پسند بودند؛ شاید به این دلیل که زمینه ملایم‌تری برای نوشته‌ها فراهم می‌کردند. ظاهراً برنج، قلع‌اندود می‌شد، تا به‌نظر نقره آید. گرچه روی کارهای بسیار تجملی، پوشش طلا و سپس، گوهر نشانده می‌شد. عالی‌ترین فولاد برای ساختن شمشیر از هند، وارد می‌شد و شمشیرسازان صفوی، در هنر قلم‌زنی مهارت ویژه‌ای داشتند. شاردن می‌گوید: «شمشیرهای ایشان [اسدالله اصفهانی] بسیار خوب قلم زده شده‌اند و برتر از کارهای اروپاییان است» (همان: ۱۴۹). - که شمشیرهای متعددی برای شاه عباس اول ساخت - یک استثناست؛ غلاف و قبضه شمشیرها و دشنه‌ها تزیین بسیار می‌یافت. بعضی را لعاب مینا می‌دادند و برخی دیگر را مرصع می‌کردند.

سرپوش شاهانه در دوره صفوی

از تاج‌های شاهان قدیم ایران، جز نقش و تصویر متاسفانه اثری باقی نمانده است و شاهان صفوی نیز تاج بر سر نمی‌نهادند؛ بلکه هنگام جلوس بر کرسی سلطنت، فقط به نصب جقه بر روی دستار قزلباشی خود اکتفا می‌کردند (ذکاء، ۱۳۴۶: ۴۷). در نیمه اول حکومت صفوی، انواع متنوعی از تاج را می‌توان مشاهده کرد که تعدادی «متعلق به زنان و بقیه متعلق به مردان است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تاج قزلباش است که خود پایه ۲۸ نوع تاج است. راس کلاه معمولاً، با بدنه آن یک‌تکه و فرم مخروطی بوده است. اساس تاج قزلباش، کلاه سرخ نمدی بلندی بود که به دوازده ترک یا چین، نمادی از دوازده امام شیعه، منتهی می‌شد. گرد کلاه یا تاج نمدین سرخ، دستاری سپید یا

جدول ۱. فرم تاج در نگارگری دوره صفویه (نگارندگان).

ردیف	نام اثر	منسوب	تزیینات (دارد نامشخص)			توضیحات	ترسیم (وکتور سرپوش‌ها)	عکس سرپوش	عکس اثر
			پر	مروارید	سنگ قیمتی				
۱	نمودن فردوسی کتابش را به سلطان محمود غزنوی	میرمصور	*	-	-	در تصویر ۱۰ پره است که گویی در واقعیت، با ۲ پره در پشت سر پادشاه تکمیل می‌گردد (Firdausi, 2011: 23).			
۲	بارگاه کیومرث	سلطان محمد	*	-	-	تصویر کلاه تکرار همان کلاه تصویر اول است (Ibid:10).			
۳	کشتن هوشنگ دیو سیاه را	سلطان محمد	-	*	*	(Ibid: 28).			
۴	کشتن ازدها را به کوه سقیلا	میرزاعلی	-	*	*	(Ibid: 211).			
۵	بارید، رامشگران	میرزاعلی	-	*	*	(Ibid:278).			
۶	بزم عاشقان	سلطان محمد	-	*	*	(ولش، ۱۳۸۴: ۵۷).			
۷	آغاز ضیافت عید فطر	سلطان محمد دارای رقم	-	*	*	(همان: ۶۱).			
۸	نوشیرون و گفتگو مرغان در ویرانه	قائل انتصاب به آقا میرک	*	-	-	(همان: ۶۴).			
۹	دو حکیم متنازع	قائل انتصاب به آقا میرک	-	*	*	(همان: ۷۰).			
۱۰	اندام‌شستن شیرین در چشمه سار	سلطان محمد	-	*	*	(همان: ۷۶).			

هنر عصر قاجار

بعد از قتل آقا محمدخان، برادرزاده وی باباخان (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق.) (رضایی، ۱۳۷۸ ج ۱۲: ۵۶۱) با ریش دراز و نوک تیز به حکومت رسید. تصاویرش در موزه‌ها معرف هنری رو به زوال، ولی آمیزه‌ای جالب از سنت‌های ایرانی و تاثیرات اروپایی‌اند (پل‌رو، ۱۳۹۱: ۴۰۰). روابط ایران با هند، فرانسه، انگلیس و جنگ اول ایران-روس (۱۲۱۹-۱۲۲۸ ه.ق.) و جنگ دوم ایران و روسیه (۱۲۴۱-۱۲۴۳ ه.ق.)، در این دوره صورت گرفت. بعد از محمدشاه، ناصرالدین‌شاه از ۱۲۶۳-۱۳۱۳ هجری حکومت کرد که به عزل امیرکبیر و لشکرکشی به هرات، امتیاز تنباکو و اصلاحات دوره ناصری منجر شد. دوره مظفری (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ ه.ق.) با صدور فرمان مشروطیت و قانون اساسی همراه بود. سپس، محمدعلی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه.ق.) و بعد احمد شاه (۱۳۲۷-۱۳۴۳) بود که تجاوزات عثمانی به ایران و جنگ جهانی اول و ایران، قرارداد ۱۹۱۹ را در برداشت. هم‌چنین، وسایل تمدن جدید که در زمان قاجار به ایران آورده شده، اعم از پستخانه، راه آهن، روزنامه، چاپ‌خانه، ترجمه و تالیف کتاب، ایجاد کارخانه و تقلید آداب و رسوم از اروپایی‌ها به چشم می‌خورد.

هنر در زمان سلسله قاجار تداوم هنرهای ادواری پیشین است. بدون تردید، دوره قاجار یکی از مقاطع مهم سیاسی اجتماعی و طبیعتاً فرهنگی هنری ایران است. تاثیرات صریح فرهنگ غرب به صورت محسوس و نامحسوس عیان است؛ اگرچه آگاهانه از هنر دوره صفوی تاثیر پذیرفت و کهن‌گرایی و ارزش‌های باستانی کم و بیش مورد توجه قرار گرفت. در جمع‌بندی هنر قاجار، می‌توان گفت که سه ویژگی اساسی دارد: (۱) فقدان ارتباط قطعی با تمدن کهن اسلامی؛ (۲) تاثیرات ورود عناصر غربی و وابستگی به آن؛ (۳) حضور عناصر مردمی و عامیانه. با این حال، باید افزود، اگرچه هنر دوره قاجار از نظر کیفیت نوعی تنزل را برمی‌تابد و از نظر عظمت و شکوه قابل مقایسه با هنر دوره‌های ماقبل نیست، اما در مجموع هویت و ویژگی مستقلی دارد (گودرزی، ۱۳۸۰: ۷).




سرپوش شاهانه در عصر قاجار

با توجه به تحقیقات میدانی صورت‌گرفته از کاخ گلستان، موزه ملی ملک و عمارت سردار اسعدخان، شواهد موثق بر صحت وجود تاج‌های متفاوت با متعلقات بسیار فاخر وجود دارد. آقا محمدخان نیز در تاج‌گذاری خود در ورامین، از یک کلاه مسی زرانود استفاده کرد که بعداً، آن را در اصفهان میناکاری کردند و اینک، در موزه کاخ گلستان محفوظ است. ولی برادرزاده‌اش فتحعلی‌شاه در همان سال‌های

سبز(سادات) طلایی گلابتون‌دوزی شده یا رنگارنگ از جنس پشم، ابریشم، کتان، زربفت می‌پیچیدند؛ و یک دستار را از لابلای آن به مانند جقه‌ای بیرون می‌آوردند که آن را به صورت عمامه بزرگ جلوه می‌داد. دو نوک سرخ بلند و ۱۲ ترک کلاه از میان آن، بیرون می‌ماند و به صورت خاص جلب توجه می‌کرد. آن کلاه سرخ را با نوک ۱۲ ترکش، تاج می‌خوانند (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۵۰).

نگارندگان با توجه به مطالعه میدانی اماکن تاریخی اصفهان از بناهای عالی قاپو، هشت بهشت، چهل ستون، خانه تاریخی سوکیاس و داوید و بررسی نقاشی‌های این عصر تاج‌های این دوره را به سه دسته قابل تقسیم کردند (جدول ۱ و ۲).

جدول ۲. دسته‌بندی فرم تاج در دوره صفویه (نگارندگان).

	<p>دسته اول: دامله یا کلاه مانند که علمکی بالای آن قرار دارد. علاوه بر آن پَر دیگری به صورت الحاقی روی کلاه نمایان است به علاوه، لبه‌های کنگره‌دار در طرح دیده می‌شود.</p>
	<p>دسته دوم: دامله، ساختارش حفظ شده، لبه‌های کنگره‌دار در طرح دیده می‌شود و پَر حذف شده است.</p>
	<p>دسته سوم: کلاه‌ها به صورت عمامه‌ای و لبه آن از بالا به بیرون برگشته است که پایه‌ای برای انواع مختلف تک پَر، آ پَر و حتی ۳ پَر بوده است.</p>

نخست پادشاهی خود (۱۲۱۲-۱۲۱۳ ه.ق.) دستور داد، کلاه گوهرنشان بلندی با هشت کنگره و طاق کروی سرخ، به نام تاج کیانی ساختند؛ که همه ساله، در سلام‌های رسمی و اعیاد از آن استفاده می‌نمود. شکل تاج کیانی فتحعلی‌شاهی تقریباً همان بود که امروز هست؛ ولی در زمان ناصرالدین‌شاه، اندک تغییری در طرز نصب جواهرات آن داده شد و جقه زمردنشان بزرگی با پره‌ها و نگین‌های فراوان و یک قطعه زمرد درشت و شرابه مروارید به آن افزوده شد. گوهرهای تاج کیانی عبارت است از: مروارید، یاقوت، زمرد و الماس که به وسیله پایه و سیم و چنگ بر روی تاج نصب گردیده‌اند. همه سلاطین قاجار در تاجگذاری‌های خود از همین تاج کیانی استفاده می‌کردند. پهلوی اول، پس از رسیدن به شاهنشاهی ایران، حاضر نشد از تاج کیانی پادشاهان قاجار استفاده کند؛ از این رو، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، گروهی از جواهرسازان ایرانی زیر نظر سراج‌الدین جواهری از جواهرسازان معروف قفقاز، تاجی ساختند که اینک، به تاج پهلوی^۲ معروف است (ذکاء، ۱۳۴۶: ۴۷). خاطرات سفر سوم ناصرالدین‌شاه به فرنگستان و فهرست اشیای ذکر شده، شامل پارچه‌های اطلس، سنگ‌های معدنی، پاره‌زری دوزی، پاره‌بریشم‌دوزی، الماس‌های یک قیراطی زرد تراشیده شده، بادامی، گرد کوچک و الماس تراشیده، حریر، زری، مخمل و ... مصداق این قضیه، می‌تواند باشد. حدس بر این است که تاج‌هایی که شامل شب کلاه و سنگ‌های قیمتی‌اند و تصاویر آن‌ها در آثار نمایان است از پارچه‌ها و سنگ‌های فوق ساخته شده باشند (رضوانی و قاضیها، ۱۳۷۸: ۲۳۹-۳۴۰). آنچه بیش از پیش اهمیت دارد، تاج شاه است که با تاج کیانی - که بعدها برای فتحعلی‌شاه ساخته شد- تفاوت دارد. این تاج، بلند و تخم‌مرغی شکل است. دوسوم پایین آن با مروارید پوشیده شده و قسمت بالای آن ساده است و به قبه بزرگ و جواهر نشانی ختم می‌شود. اما محمدشاه کلاه پوست بلندی را که مخصوص ایرانیان بود، کنار نگذاشت و برای تزیین آن جقه‌هایی به دست گوهریان ساخت که از نظر اندازه و ... سرآمد جواهرات پیشینیان بود. نمونه‌ای از این جقه‌ها در خزانه جواهرات موجود است (یاوری، ۱۳۹۱: ۸۵). سلیمان دمیرل که نخست وزیر ترکیه در آن زمان بود، از این خزانه دیدن کرده و از دیدن غنی‌ترین گنجینه جهان نام برده است. وی می‌افزاید، تاج کیانی - که به دستور فتحعلی‌شاه قاجار در ایران ساخته شده - به الماس، یاقوت، زمرد و مروارید مزین شده است. به نظر از جمله مشخصات ظاهری این تاج‌ها، وجود کنگره بر روی آن است که نمادی مذهبی و ملی و نشانی از خدایان باستانی محسوب است. در واقع، استفاده از این کنگره‌ها برای به تصویر کشیدن رابطه

شاه و خدا بوده است (مجموعه تصویری ۱). جهت مقایسه بهتر تاج و کلاه در عصر قاجار، جدول ۲ ارائه شده است.

مجموعه تصویری ۱- تاج و کلاه شاهان قاجار در نقاشی و میناکاری (خلیلی، ۱۳۸۳: ۹۵-۱۲۳).

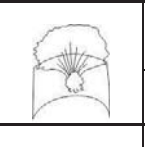


با بررسی فرم تاج و کلاه شاهان قاجار می‌توان موضوع مورد مطالعه را از دو منظر نگریست.

الف) بر اساس دوره تاریخی



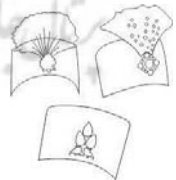
- دوره آقا محمدخان، تاج، فرمی سنتی و بازگشتی به دوران قبل دارد که بلند و کنگره‌دار است.
- دوره فتحعلی‌شاه، کلاه‌ها به شکل تخم‌مرغی است و بعد، به صورت کشیده به همراه جقه‌هایی روی شب‌کلاه با سنگ‌های قیمتی و تزیینات مزین است. در زمان عباس‌میرزا، تاج و کلاه به دو سبک مخروطی گرد و تاج چندلبه مشاهده گردید. این نوع تاج در دو اثر آیینی‌کاری دیده شد.
- دوره محمدشاه قاجار، تزیینات روی کلاه کم‌تر شد و شب‌کلاه به صورت ساده و جدید با فرم مخروطی و برش‌خورده اریب است؛ اما با جقه‌هایی بزرگ‌تر و سنگین‌تر از جواهرات با تزیین تک‌پَر و دوپَر.
- زمان ناصرالدین‌شاه، کلاه‌های مختلفی دیده شد که همه به صورت تک‌پَر و بسیار ساده و فقط یک نمونه در ضرب سکه دوپَر دیده شد. در این دوره، از تزیینات پَر بزرگ‌تری بهره برده، تا جایی که، گاهی دانه‌های مروارید به صورت پَر ساخته شد.
- دوره مظفرالدین‌شاه، کلاه‌ها تغییر ارتفاع داده، کوتاه‌تر شدند و جقه‌های کوچک‌تر و تک‌سنگ تخمه در آن به کار رفت.
- زمان احمدشاه، بیش‌تر به صورت کلاه‌های ساده با جقه یا پَر تزیین شد که آغاز آن، به دوره ناصر می‌برمی‌گردد.

جدول ۳. فرم تاج و کلاه در دوره قاجار (نگارندگان).

ردیف	نام اثر	نام پادشاه	تاریخ	تزیینات (دارد نامشخص)			توضیحات	ترسیم (وکتور سرپوش‌ها)	عکس سرپوش	عکس اثر
				سنگ قیمتی	مروراید	پر				
۱	شاهزاده	آقا محمد خان	اواخر سده ۱۸	*	ندارد	*	احتمالا اثر محمد صادق پرتزه احتمالا از آقا محمد خان (فالک، ۱۳۹۳: ۸).			
۲	نگاره‌ای از آقا محمد خان	آقا محمد خان	۱۵ ربيع الثانی (قمری) ۱۱۹۵	*	*	*	نخستین تاج‌گذاری در استر آباد (URL).			
۳	پرتزه پادشاه	فتحعلی شاه قاجار	۱۲۱۳ ه ق	*	*	*	۱۷۹۹ میلادی (موسسه روابط بین کشورهای مشترک المنافع، لندن) اهدافی وزیر امور خارجه رایبسون، نقاشان درباری، لوحه ۲۷، شماره ۱ (فالک، ۱۳۹۳: ۴۳).			
۴	پرتزه نشسته پادشاه	فتحعلی شاه قاجار		*	ندارد	*	به نمایش گذاشته شده در نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران، لندن، ۱۹۱۳ (فالک، ۱۳۹۳: ۱۲).			
۵	پرتزه پادشاه	فتحعلی شاه قاجار		*	*	*	اثر مهرعلی (فالک، ۱۳۹۳: ۱۵).			
۶	سومین پادشاه قاجار پسر عباس میرزا	محمدشاه قاجار	۱۲۶۰ ه ق	*	*	*	اثر احمد رنگ روغن (کاخ گلستان).			
۷	ضرب سکه	ناصرالدین شاه قاجار	۱۲۷۱ ه ق	*	نامشخص ص	*	ضرب سکه کرمانشاه (طلا) (موزه ملی ملک).			
۸	ضرب سکه	ناصرالدین شاه قاجار	۱۲۷۲ ه ق	*	نامشخص ص	*	ضرب سکه تهران / نقره - تصویر پادشاه به همراه تاج مزین (موزه ملی ملک).			
۹	پادشاه قاجار چهارمین	ناصرالدین شاه قاجار	۱۳۱۲ ه ق	*	ندارد	*	اثر علی اکبرخان مزین الدوله سیاه قلم (کاخ گلستان).			
۱۰		ناصرالدین شاه قاجار	قاجار	*	ندارد	*	محمدخان افشار ارومی / چاپ به همراه روتوش دستی (کاخ گلستان).			
۱۱	ضرب سکه	مظفرالدین شاه قاجار	۱۳۱۸ ه ق	*	ندارد	*	ضرب سکه تهران - نقره (موزه ملی ملک).			
۱۲	شاهزاده قاجاری	-	-	*	ندارد	*	میرزا ابابا نقاش باشی، رنگ روغن (کاخ گلستان).			
۱۳	پسر دوم ولیعهد فتحعلی شاه	عباس میرزا		*	*	*	تکنیک نقاشی پشت شیشه (کاخ گلستان).			
۱۴	تاج کبابی در آینه کاری	-	قاجار	نامشخص			آینه کاری عمارت برلیان (کاخ گلستان).			

ب) بر اساس فرم کلی

جدول ۴. دسته‌بندی فرم تاج و کلاه دوره قاجار (نگارندگان).

	<p>دسته اول: کلاههایی که سبک تاج‌گونه دارند؛ از سنگ‌ها و تزیینات بیش‌تری روی آن‌ها استفاده شده است. نکته حائز اهمیت، پرها هستند که گاهی، با دو پر دیده شده است. این دسته کلاه‌ها بر سر ناصرالدین‌شاه، شاهزاده قاجار، پسر دوم ولیعهد قاجار، فتحعلی‌خان قاجار و آقا محمدخان ثبت شده است.</p>
	<p>دسته دوم: دو کلاه شبیه به هم که فقط در دو اثر دیده شده؛ یکی، قلم‌دان لاک‌ی قاجار و دیگری، پرتوهای از فتحعلی‌شاه قاجار است. و دومی نقاشی از پرتو عباس‌میرزا که به نظر می‌رسد این کلاه در دوره قاجار مرسوم نبوده است. لازم به ذکر است تصویر قلم‌دان علاوه بر کلاه ساده‌ای که کم‌تر در آثار دیده شده همچنان با جقه و سنگ‌های قیمتی مزین شده است.</p>
	<p>دسته سوم: کلاه حالت عمامه‌ای با تزیینات متنوع فتحعلی‌شاه قاجار و علمک‌ها اقتباس شده از دوره صفویه با متعلقات مروارید.</p>
	<p>دسته چهارم: کلاه‌های بلند و کشیده‌ای که بالای آن‌ها به صورت تیز و زاویه‌دار است؛ با پرها و جقه‌های بزرگ که سنگ‌های قیمتی را به همراه دارند. این کلاه بر سر ناصرالدین‌شاه و محمدشاه مشاهده گردید.</p>
	<p>دسته پنجم: کلاه‌های غالباً تک پر همراه جقه‌های کوچک که از چند سنگ قیمتی (یاقوت، زمرد، لعل، مروارید...) تشکیل شده‌اند. این دسته کلاه‌ها مورد استفاده ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، احمد‌شاه بوده است.</p>

احتساب تغییراتی در ارتفاع شب‌کلاه‌ها و اضافه‌شدن جقه‌ها و متعلقات (سنگ‌های قیمتی، سنگ‌های تخمه، مروارید) به کار برده شده است. در بعضی تصاویر به‌ویژه قاجار، می‌توان به شکوه کلاه‌ها، جقه‌ها، و سنگ‌های قیمتی - که در آن‌ها استفاده شده - چشم دوخت و به اقتدار و عظمت - که این تاج‌ها به پادشاهان عطا می‌کردند - نگرست. به نظر می‌رسد کلاه، گاهی، تحت تاثیر غرب - با توجه به پوشش آن زمان - بوده است و سفرهای متعدد پادشاهان یا وجود زرگران خارجی در دوره صفویه و تاثیرپذیری از آن، می‌تواند دال بر این موضوع باشد. با توجه به تصاویر بالا و دسته‌بندی کلاه‌ها و تاج‌های صفوی و قاجار، نکات قابل توجهی وجود دارد؛ اعم از فرم کلی، پره، علمک، دستار دوره صفویه و ساده‌گرایی در پوشاک.

در گروه اول، حضور فرم‌های دوره صفویه و باستانی به‌صورت آشکار، مشخص است؛ درگروه دوم، حفظ ارتفاع و کم‌رنگ شدن فرم تاج، آن را به سادگی کلاه قرین نموده و آراسته‌شدن به سنگ‌های قیمتی؛ در گروه سوم، تغییر فرم کلاه به شکل دوکی نمود یافته است؛ در گروه چهارم، تاج به سمت کلاه بازگشت؛ اما این بار به‌صورت کلاه‌هایی با ارتفاع بلند و متفاوت؛ همین‌طور، نصب جقه در سایزهای متفاوت بر روی آن‌ها و حضور تک‌پری بزرگ که روی آن هم با جواهرات تزیین شده بود. سطح روی کلاه به گونه‌ای بود که گویی یک مخروط بلند به صورت زاویه‌دار و از سطح مقطعی بریده شده و نوک تیزی در کلاه‌ها دیده می‌شد. به نظر می‌رسد که تغییرات بدین‌جا ختم نمی‌شود. در گروه پنجم - که در ادامه تغییرات قبل است - این بار، ارتفاع کاهش پیدا کرده و جقه‌های کوچک‌تر با سنگ تخمه‌های درشت‌تر روی کلاه آمده و تنها با یک پر، همراه تزیینات فاخر مزین شده است. دوره قاجار، میراث‌دار پیشکش‌های عصر صفویه بود - که البته، بخشی به غارت رفت؛ اما نمی‌شود از خزانه سلطنتی چشم‌پوشی کرد - و به‌خوبی از آن‌ها استفاده کرد. اگرچه تعداد معدودی از سنگ‌ها در تاج‌ها به‌صورت مناسبی جای‌گذاری نشده‌اند و زیبایی بصری آن را از بین برده‌اند. لازم به ذکر است که دو تاج، شبیه تاج کیانی در دو عمارت، آینه‌کاری شده است؛ اولی، در کاخ گلستان روی دیوار به صورت برجسته و دیگری، در سقف عمارت سردار اسدخان که احتمالاً، دلیلی بر اهمیت آن است. البته، آثار خزانه ملی بانک مرکزی (موزه جواهرات) نمایانگری از جقه‌ها و تاج‌های فاخر آن دوره است.

نتیجه‌گیری

تاج در سیر تاریخی ایران فرم‌های متنوعی به‌خود گرفته است. آنچه در این مقاله بررسی شد، فرم تاج و

تنوع کلاه‌ها و تاج‌ها، خلاقیت هنرمندان و طراحی‌های مختلف آن دوره را هویدا می‌کند. البته، این نکته را نباید به فراموشی سپرد که در زمان شاه عباس دوم، تعدادی از متخصصین ذوب فلز و زرگر هلندی و فرانسوی به ایران آمده بودند. روند تکاملی تاج‌ها نشان دارد، شروع آن از صفویه به‌صورت تخم‌مرغی‌شکل و لبه‌های چندپره کلاه‌ها و استفاده از پر در تاج‌ها، جنسی از تاج بوده و ادامه همین سیطره در قاجار، با

کلاه صفوی و قاجار بود. در این آثار - که ساخت جمعی از هنرمندان بوده - علاوه بر تاج کیانی، تاج عمامه‌ای شکل، همراه با علمک و پَر مرسوم بود؛ که نشانی از سروری و زیبایی است. تاج باستانی در عصر قاجار، ادامه یافت؛ اما با نمودی متفاوت و در اواخر قاجار، با فرمی دیگرگون. اقبال به تاج کنگره‌دار در نیمه اول حکومت قاجار، مشهود است؛ در کنار آن، کلاه‌های مرصع با نوارهای تزئینی با فرم مخروطی گرد در دوره فتحعلی‌شاه ساخته شد. این نوع، در اواسط قاجار به مخروط‌های برش‌خورده و نسبتاً بلند تبدیل شد که با جقه‌ها و یا پرها آراسته شدند. در نهایت، این کلاه، به فرمی ساده تبدیل شد و با سنگ و یا جقه همراه با پَر دم کبوتری و گشاده‌ترین و آراسته گردید. آنچه در این سیر، قابل ارائه است این‌که، بنا به جامعه آن روزگار و نوع پوشش، تاج و کلاه تغییر شکل داده است؛ که در این رابطه، ارتباطات خارجی را - از اوایل دوره صفوی و به‌ویژه از اواسط قاجار - باید مد نظر داشت.

پی‌نوشت‌ها

^۱ شاهان این سلسله عبارتند از: اسماعیل اول ۹۳۰-۹۷۰، طهماسب اول ۹۸۴-۹۸۵، اسماعیل دوم ۹۸۴-۹۸۵، محمد خدابنده ۹۸۵-۹۹۶، عباس اول ۹۹۶-۱۰۲۸، صفی ۱۰۲۸-۱۰۵۲، عباس دوم ۱۰۵۲-۱۰۷۷، سلیمان ۱۰۷۷-۱۱۰۵، سلطان حسین ۱۱۰۵-۱۱۳۵، طهماسب دوم و عباس سوم ۱۱۳۵-۱۱۴۸ هجری (صادقی، ۱۳۹۲: فهرست)

^۲ تاج پهلوی، تاجی است زرین و سیمین شیر و شکری، مرصع با الماس‌های برلیان بسیار اعلا و تخمه‌های درشت برلیان و زمرد و یاقوت کیود و مروارید کلاه و حدبه کله تاج، ابره مخمل سرخ است و در قبه آن یک قطعه زمرد خیاره در چنگ نشاندن شده است. تاج پهلوی در چهار طرف دارای چهار کنگره پله‌پله شکل تاج‌های شاهنشاهان ساسانی است و در زیر کنگره پیشین آن، نقش خورشید زرینی با پرتوهای الماس نشان و تخمه الماس زرد درشت نصب گردیده و در پشت همین کنگره، جقه پایدار اسلیمی با یک قطعه تخمه زمرد مدور درشت و در پشت آن «تل» (پرقو) قرار دارد (ذکاء، ۱۳۴۶: ۴۷).

منابع

اسکارچیا، جان روبرتو (۱۳۷۶). *تاریخ هنر ایران (هنر صفوی، زند، قاجار)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

پادشاه، محمد (۱۳۳۵). *فرهنگ آندراج*، جلد ۱، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.

پل رو، ژان (۱۳۹۱). *ایران و ایرانیان - تاریخ ایران از آغاز تا امروز*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: جامی.

پوپ، آرتور ایهام و فیلیس، اکرم (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*، تهران: علمی فرهنگی.

تارونیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: کتاب فروشی تایید اصفهان.

حکیمیان، بدری (۱۳۶۸). *بررسی فرم و طرح جامه‌های دوره صفویه از طریق مکاتب نقاشی مینیاتور (تبریز، اصفهان)*، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.

حیدرآبادیان، شهرام و عباسی‌فرد، فرناز (۱۳۸۸). *هنر فلزکاری اسلامی*، تهران: سبحان نور.

خلیلی، ناصر (۱۳۸۳). *گرایش به غرب (در هنر عثمانی، قاجار و هند)*، تهران: کارنگ.

دمیرل، سلیمان (۱۳۹۰). *خزانه جواهرات، تاج کیانی، پیام بانک*، شماره ۵۰۵، ۶۲-۶۳.

ذکاء، یحیی (۱۳۴۶). *تاج‌ها و تخت‌های سلطنتی ایران، هنر و مردم*، شماره ۶۰، ۴۷-۸۷.

رضائی، عبدالعظیم (۱۳۷۸). *گنجینه تاریخ ایران صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار*، جلد ۱۲، تهران: اطلس.

رضوانی، محمد اسماعیل و قاضیها، فاطمه (۱۳۶۹). *سفرنامه ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرهنگستان*، تهران: سازمان اسناد ملی.

سیوری، راجر (1386). *ایران در عصر صفوی*، تهران: مرکز.

شاردن، جان (۱۳۳۶). *سفرنامه شاردن*، جلد ۳، ۴، ۷ و ۱۰، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

صادقی، زهرا (۱۳۹۲). *تاریخ هنر ایران در عصر صفوی*، تهران: پارسه.

فالک، اس جی (۱۳۹۳). *شمایل نگاران قاجار*، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.

کیا، صادق (۱۳۴۶). *تاج، هنر و مردم*، شماره ۴-۱۴.

ولش، استوارت کری (۱۳۸۴). *نقاشی ایرانی نسخه نگاره‌های عهد صفوی*، ترجمه احمد رضا تقاء، تهران: فرهنگستان هنر.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۲). *سفرنامه کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: خوارزمی.

مونسسی سرخه، مریم (۱۳۹۶). *لباس و هویت: ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی، جلوه هنر*، دوره ۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۷، ۱۰۷-۱۱۹.

میرجعفری، حسین و سید بنکدار، سید مسعود (۱۳۸۷). *زرگری و جواهرسازی در عصر صفویه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان (مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*، دوره ۲، شماره ۳، ۱-۱۶.

یاوری، حسین (۱۳۹۱). *زیور از منظر نگاره*، تهران: سیمای دانش.

منابع عکاسی میدانی تهران و اصفهان: کتابخانه و موزه ملی ملک، کاخ گلستان، عمارت سردار اسد خان، عمارت چهل ستون.

URLs:
URL1:
https://en.wikipedia.org/wiki/Agha_Mohammad_Khan_Qajar (Retrieved 25/02/2019).

Reference:

Chardin, J. (1957). *Sir John Chardin's Travels in Persia*. (Vol. 3, 4, 7 and 10), Translated by Mohammad Abbasi, Tehran: Amirkabir (Text in Persian).

- Rezaee, A. (1992). *Thesaurus of History of Iran*, (Vol. 12), Tehran: Atlas (Text in Persian).
- Rezvani, M. E. & Ghaziha, F. (1990). *Nasser-al-Din Shah's Travelogue on the Third Trip to Farhangesta*, (Vol. 1), Tehran: National Documentation Organization (Text in Persian).
- Roux, J. P. (1925). *Histoire de l'Iran et des Iraniens : des origines à nos jours*. Translated by Mahmoud Behfrozi, Tehran: Jami (Text in Persian).
- Sadeghi, Z. (2013). *Iran Art History in Safavid Dynasty*, Tehran: Parseh (Text in Persian).
- Savory, R. (2007). *Iran under the Safavids*. Cambridge University Press (Text in Persian).
- Scarcia, G. R. (1997). *Encyclopedia of World Art* (Vol. 10), Translated by Yaghoob Azhand, (1st ed.), Tehran: Mola (Text in Persian).
- Tavernier, J. B. (1899) [1676]. Ball, Valentine, ed. *Les Six Voyages [Travels in India]*. London: Macmillan & Co. p. xxvii.
- Tavernier, J. B. (1957). Travelogue, Translated by Abou Torab Nouri, Isfahan: Taid Isfahan Bookstore (Text in Persian).
- Welch, S. (2005). *Persian Painting: Five Royal Safavid Manuscripts of the Sixteenth Century*, Translated by Ahmadreza Taga, Tehran: Farhangestane Honar (Text in Persian).
- Yavari, H. (2011). *Ornament from Miniature Prospect*, Tehran: Simaye Danesh (Text in Persian).
- Zoka, Y. (1968). Iranian Royal Crowns and Crowns, *Art and People*, 60, 47-87 (Text in Persian).
- Filedwork photo sources: Tehran & Isfahan. Malek Museum and Library, Golestan Palace, Sardar Asad Khan Mansion, Chehel Sutun Mansion.
https://en.wikipedia.org/wiki/Agha_Mohammad_Khan_Qajar (Recovery Date 25/02/2019)
- Demirel, S. (2011). National Treasury House, Kiani Crown, *Payam Bank*, 505, 62-63 (Text in Persian).
- Falk, S. J. (2014). *Qajar paintings: Persian Oil Paintings of the 18th & 19th Centuries*, Translated by Alireza Baharlou, Tehran: Peykareh (Text in Persian).
- Firdausi, A. (2011). *The Shahnama of Shah Tahmasp*, Introduction by Sheila R. Canby. Metropolitan Museum of Art. New York.
- Hakimian, B. (1989). *Investigating Forms and Outlines of Safavid Era through Schools of Miniature Painting (Tabriz, Isfahan)*. Master of Art Thesis, Isfahan Art University (Text in Persian).
- Heidar Abadian, Sh. (2009). *The Art of Islamic Metalworking*, Tehran: Sobhan Noor (Text in Persian).
- Khalili, N. (2004). *Tendency to West (In Ottoman, Qajar, and India Art)*, Tehran: Karang (Text in Persian).
- Kaempfer, E. (1984). *Am Hofe des persischen Grosskönigs 1684-1685*, Translated by Keykavous Jahandari, Tehran: Kharazmi (Text in Persian).
- Kia, S. (1967). Crown, *Art and People*, 60, 7-8 (Text in Persian).
- Mirjafary, H., Seyed Bonakdar, M. (2008). Gold and Jewelry Making in Safavid Period, *Faculty of Literature and Humanities (Isfahan University)*, 2(53), 1-16
- Mounesi Sorkheh, M. (2017). Costume and Identity: Characteristics of Cultural Identity in Iranian Clothing, *Jelve-y Honar (Glory of Art) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 9(1), 107-116. doi: 10.22051/jjh.2017.235 (Text in Persian).
- Padshah, M. (1956). *Anandraj Dictionary*, (Vol. 1), Yehran: Khayam (Text in Persian).
- Pope, A. U., Ackerman, P., & Besterman, T. (2008). *A survey of Persian art from prehistoric times to the present: Arthur Upham Pope, editor; Phillis Ackerman*, Tehran: Elmi Farhangi (Text in Persian).

Comparative Study of the Form of Kings' Cap in the Safavid and Qajar Eras¹

A. Sheikhi²
A. Mirsane³

Received: 2018-04-04
Accepted: 2019-01-21

Abstract

The crown in Iran has always been a symbol of the power and glory of the kingdom. The crown has historically been one of the most prominent symbols of the greatness and power of kings, which are authentic documents of the historical facts of any period or king. In designing the crown and displaying its grandeur and beauty, the artists have made great efforts because this was the special order of the court. It is important to note that communication with Western society from the late Safavid Era has varied the court's tastes. The main purpose of this article is to investigate the form of the crowns of the Safavid and Qajar kings. The question to ask is how well the form and ornamentation of the crowns during these periods has gone. The crown of kings has been described in numerous documents that this paper has investigated the murals, paintings and coins of Safavid and Qajar Eras. Studying the evolution of the crown in Iranian Art History and examining its form as a symbol of the greatness of necessity is a step toward identifying an area of fine art in Iran and beginning to study the other aspects of this courtier element. The crown has taken many forms in Iran's historical course. This article examines the form of the Safavid and Qajar crowns and caps. In addition to majestic crown, the works included a turbaned crown with a conventional and ensign crown with feather, which symbolizes serenity and beauty. The ancient crown continued in the Qajar era but with a different appearance and at the end of the Qajar with a different form. If attention to the congressional crown is evident in the first half of the Qajar rule, but beside it are caps with round tapered ornamentation in the Fath Ali Shah period. In the middle of the Qajar, it became cut and relatively tall cones adorned with feathers. Eventually, the caps became a simple shape and adorned with stone or a pair of pigeon tails. What is possible in this course is that according to the society of that time and the type of cover, crown and cap that has been deformed, in this respect, external communications from the early Safavid Period and especially from the mid-Qajar Era should be considered. The purpose is to identify the form of the crown and cap of the Safavid and Qajar kings. Therefore, the research seeks to make what do the form and decorations of the crown and cap of the Safavid kings and Qajar with regard to the resources and documents of the remnants? The research approach is qualitative and the research method is descriptive, historical and comparative. Findings show that the crown during the Safavid Period and Qajar Period is influenced by its temporal characteristics, although it tends to preserve ancient forms in Iran. The ancient crown of Iran has a framed, angular and turfed line with its effect on the Safavid Era. In the Qajar Era, crowns are also seen with elliptical, conical and cylindrical shapes and angular lines. The continuity of the shape and form of the Iranian ancient crown is evident in the paintings of the Safavid Period, although slight variation can be seen in the crown, but its overall form has continued. The Qajar period has had widespread changes in various areas. In this period, you can divide the crown and cap of kings into five categories. The first category is the continuation of the ancient crown of Iran. The second and third group is a simple hat on the head of Fath Ali Shah and Abbas Mirza, which is embroidered with pearls and jewelry. The fourth bunch of crowns is a cone that is adorned with baguettes. The fifth category is very simple, and their decorations are unique to a feather front of a cylindrical short hat. In this regard, the type of interactions with the West and the journeys of the Qajar kings to Europe have certainly been effective.

Keywords: Safavid and Qajar Periods, Crown, Cap, Form.

¹DOI: 10.22051/jjh.2019.19831.1327

² Assistant Professor, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Art University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) a.sheikhi@art.ac.ir

³ Bachelor of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Art University, Tehran, Iran. mirsane1393@gmail.com